



یادداشت

حسن بهشتی‌پور

مذکره از نگاه واقع‌بینانه

در روزهای اخیر، گزارش‌هایی از تداوم گفت‌وگوهای غیرمستقیم میان ایران و آمریکا منتشر شده است. این روند پس از سفر وزیر خارجه عمان به تهران و تأیید گفت‌وگوهای مقامات دو کشور از طریق رسانه‌هایی چون اکسیوس و شبکه الجزیره بار دیگر برجسته شده است. در این شرایط، پرسش اصلی این است که آیا مذاکره‌می‌تواند به کاهش تنش‌های فزاینده کمک کند؟ مذاکره‌رامی‌توان به‌عنوان ابزاری برای کنترل بحران و جلوگیری از تشدید تنش‌ها به کار گرفت. هرچند مذاکره به‌خودی‌خود معجزه نمی‌کند، اما در فضای ملتهب کنونی می‌تواند مانع تشدید درگیری‌ها شده و فضایی برای تنفس ایجاد کند.

۳ گام ضروری برای خروج از بن‌بست مذاکراتی

به‌نظر می‌رسد موفقیت مذاکرات در گرو حرکتی مرحله‌ای و واقع‌بینانه است:
۱. کاهش تنش فوری: تمرکز بر جلوگیری از درگیری و ایجاد فضای باثبات‌تر.
۲. حل موضوعات مشخص: پرداختن به پرونده‌های اختلافی همچون برنامه هسته‌ای، ۳. گسترش به‌مسائل کلان: تعمیق گفت‌وگوها برای حل سایر اختلافات دو طرف که حداقل هشت سرفصل اساسی دارد.
باید در نظر داشت اگر هدف از مذاکره کاهش تنش باشد، می‌تواند موفق باشد، اما اگر انتظار معجزه‌ای داشته باشیم، مذاکره نتیجه‌ای نخواهد داشت.

■ چالش تهدید همزمان نظامی

یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش رو، تداوم تهدیدهای نظامی آمریکا در کنار اعلام آمادگی برای مذاکره است. تاریخچه روابط نشان می‌دهد مذاکره از لزوم تأیید مینی برای عدم حمله نیست؛ تصمیم آمریکا بیشتر تابع ریزبایی او از شرایط داخلی ایران است. با این حال، گفت‌وگو می‌تواند زمینه کاهش فشارهای روانی و اقتصادی را فراهم آورد. در تیرماه گذشته حتی اگر مذاکره هم نمی‌کردیم، آمریکا حمله می‌کرد. اتفاقاً انجام مذاکره موجب شد در کشور وحدت گسترده‌ای در برابر تهاجم شکل بگیرد زیرا اگر مذاکره انجام نشده بود عده‌ای می‌گفتند دلیل حمله آمریکا این بود که ایران حاضر به مذاکره نشد. درسی که این مذاکرات برای همه ایرانی‌ها داشت این بود که مذاکره عامل جلوگیری از حمله دشمن نیست، اما می‌تواند به کاهش فشارهای روانی و اقتصادی کمک کرده و در صورت امکان بحران موجود را مدیریت کند.

■ اتحاد داخلی؛ سپر بازدارنده در برابر تهدیدها

اتحاد ملی و انسجام اجتماعی مهم‌ترین عامل بازدارندگی در برابر تهدیدهای خارجی است. دشمن با امید به ایجاد شکاف در جامعه، از تحریم‌ها به عنوان ابزار فشار حداکثری استفاده می‌کند. تجربه ماه‌های اخیر نشان می‌دهد ناراضیاتی‌های اقتصادی می‌تواند به دستاویزی برای تشدید آشوب‌های امنیتی تبدیل شود.

نقش مردم در حفظ اتحاد داخلی و انسجام ملی بسیار مهم است؛ اگر مردم باهم متحد باشند، آمریکا در حمله به ایران تردید خواهد کرد؛ اما اگر جنگ داخلی ایجاد شود، دشمن از فرصت استفاده خواهد کرد. دقیقاً آمریکا به همین منظور با اعمال تحریم‌های گسترده به بهانه

برنامه هسته‌ای ایران، انتظار داشت تحریم‌های حداکثری موجب نارضایتی مردم و شورش‌های خیابانی شود. این نقشه در زمان جنگ تحمیلی ۱۲روزه جواب نداد زیرا مردم ایران متوجه بودند آمریکا به دنبال دموکراسی و حقوق بشر و آزادی مردم در ایران نیست بلکه با توجه به عملکرد آمریکا در افغانستان و عراق به خوبی بر این واقعیت آگاه بودند که قدرت‌های خارجی به دنبال تأمین منافع خودشان هستند. اما در دی ماه انجام اصلاحات اقتصادی در مورد حذف ارز ترجیحی سبب شروع نارضایتی در بازار شد. با حذف ارز ترجیحی که به نام حمایت از مردم برقرار بود اما در عمل به کام رانت‌خواران می‌رسید، رانت‌خوارانی که منافع خود را از دست رفته دیدند با تحریک مردم به ویژه نوجوانان و جوانان اعتراض‌ها را به خشونت کشاندند و همین موضوع بهانه جدیدی فراهم کرد تا آمریکا واسرائیل با استفاده از عوامل داخلی از نارضایتی بخش بزرگی از مردم ایران که تحت فشار اقتصادی قرار دارند سوءاستفاده کرده و نارضایتی را تبدیل به شورش اجتماعی و سیاسی و در نهایت امنیتی کنند.

با مرور بر تحولات دی ماه ۱۳۹۶، آبان سال ۱۳۹۸، شهریور ۱۴۰۱ و دی‌ماه ۱۴۰۴ به خوبی می‌توان به این واقعیت رسید که «اگر مشکلات اقتصادی مردم حل نشود، انتظار اتحاد و یکپارچگی نمی‌توان داشت» و این بحران هر دوره بیشتر می‌شود. روشن است که آمریکا واسرائیل به دنبال تجزیه ایران و یا دست‌کم ایجاد جنگ داخلی برای سرنگونی حکومت جمهوری اسلامی ایران هستند و برای مقابله با این سیاست نباید تصور کرد که می‌توان صرفاً از قدرت نظامی و امنیتی استفاده کرد بلکه مهم‌ترین عامل بقای کشور پشتیبانی مردم است و این موضوع هم زمانی بدست می‌آید که مردم ببینند حکومت به فکر رفع مشکلات آن‌هاست و امید به آینده داشته باشند.

■ نیاز فوری به برنامه اقتصادی روشن

کشور بیش از هر زمان دیگر به یک برنامه منسجم و عملی برای اصلاحات اقتصادی نیاز دارد. این برنامه باید بتواند امید به آینده را در جامعه به‌ویژه در میان جوانان، زنده کند. جلب اعتماد عمومی تنها با شعار ممکن نیست؛ بلکه مستلزم اجرای سیاست‌های ملموس و بهبود وضعیت معیشتی است. مدیریت نادرست منابع، فساد و رانت‌خواری از چالش‌های اصلی اقتصاد کشور است. طرح‌هایی مانند کالابُرگ الکترونیکی تنها در صورتی می‌توانند مؤثر باشند که شفاف اجرashده و از انحراف به مسیرهای رانتی جلوگیری شود. تأمین نیازهای اولیه مردم باید در اولویت سیاست‌گذاری قرار گیرد.

نتیجه

به‌نظر می‌رسد در شرایط کنونی، خطر جنگ فوری چندان محتمل نیست. با این حال، عبور از بحران فعلی نیازمند دو اقدام موازی است: از یک سو، ادامه گفت‌وگو برای کاهش تنش‌های خارجی و از سوی دیگر، اجرای برنامه‌های اقتصادی کارآمد برای بازگرداندن ثبات و امید به جامعه. اگر تغییر محسوس در گفتمان و عمل حکمرانی ایجاد شود، می‌توان در یک تا دو سال آینده شاهد بهبود نسبی بود. همراهی مردم نیز منوط به دیدن نتایج ملموس در زندگیشان است.

سیدحسین حسینی | در روزهای اخیر برخی رسانه‌ها در

حالی مدعی حضور افراد عفو شده در ماجرای عفو معیاری اتفاقات ۱۴۰۱ در جمع دستگیرشدگان اغتشاشات اخیر شده بودند که قوه قضائیه در موضعی رسمی این ادعا رد کرد.

خبرگزاری میزان وابسته به قوه قضائیه نوشت: وب‌سایت وابسته به جریان خاص سیاسی که تلاش دارد به هر بهانه‌ای دستگاه قضایی جمهوری اسلامی ایران را مورد حمله و تخریب قرار دهد، یک بار دیگر قیقاً در بحبوحه ناآرامی‌های اخیر که منجر به شهادت تعداد زیادی از هموطنان توسط تروریست‌های مزدور اسرائیل و آمریکا شد و قوه قضائیه نیز تعدادی از نیروهای شریف خود را که برای نظارت میدانی همراه مدافعان امنیت مردم شده بودند از دست داد، در همراهی با رسانه‌های ضدانقلاب ادعاهای کذب، عجیب و قابل تأملی را مطرح کرده است.

این سایت خبر نادرست خبرگزاری فارس به نقل از «مقام امنیتی آگاه» که اظهار کرده است «اغلب اغتشاشگران دستگیرشده به جرم محاربه در آشوب‌های اخیر، سال ۱۴۰۱ نیز بازداشت و عفو شده‌اند» را دستمایه حمله به عفو بزرگ سال ۱۴۰۱ رهبر معظم انقلاب قرار داده است.

رجانیوز در اقدامی عجیب و قابل تأمل عفو معیاری سال ۱۴۰۱ که بسیاری از کارشناسان از آن به‌عنوان «پیشنهاد هوشمندانه درخواست عفو از سوی رئیس قوه قضائیه و پذیرش پدران‌ه از سوی رهبر معظم انقلاب که موجب ایجاد آرامش در جامعه و ترمیم‌شد» یاد می‌کنند را تصمیمی اشتباه عنوان کرده‌است. این ادعاهای رسانه‌ای که از سوی برخی افراد از جمله برخی نمایندگان مجلس نیز تکرار شد، در شرایطی است که عفو معیاری مبتنی بر دستور رهبر معظم انقلاب اعمال شد و آن را می‌توان در زمره اقدام‌های از‌شمنده نظام برای ایجاد فضای همدلی در کشور دانست. علاوه بر این به ویژه در این شرایط خاص کشور، اطلاع‌رسانی درباره ماهیت دستگیرشدگان اغتشاشات اخیر صرفاً باید از سوی مقامات رسمی قضایی و امنیتی صورت گیرد نه شایعات رسانه‌ای در پوشش «مقام آگاه».

روزنامه قدس، بر اساس رسالت خبری و رسانه‌ای خود، برای پاسخ به این شبهه‌ها و شناسایی ریشه‌های آن، موضوع را با سه تن از استادان دانشگاه در حوزه حقوق و مسائل قضایی مورد بحث و بررسی قرار داده است تا علت‌سنجی و تحلیل دقیق‌تری از این موج شبهه‌افکنی‌ها ارائه شود.

■ شایعه، امنیت ملی را تهدید می‌کند

غلامرضا خواجه سروی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی | عملیات خرابکارانه‌ای که اخیراً در کشور رخ داد، آشکارا نشانه هدایت و طراحی از سوی جریان‌های خارجی است و البته که سویه‌های رسانه‌ای هم



تحریم؛ آخرین سلاح آمریکا برای فروپاشی از درون

وقتی یک مقام ارشد آمریکایی، بی‌برده و بدون تعارف، از «آشوب‌سازی اقتصادی» به‌عنوان ابزار رسمی سیاست خارجی واشنگتن علیه ملت ایران سخن می‌گوید، دیگر جایی برای تردید در ماهیت تحریم‌ها باقی نمی‌ماند. اظهارات صریح «اسکات بستنت» وزیر خزانه‌داری آمریکا که اذعان می‌کند ایالات‌متحده «بدون شلیک حتی یک گلوله» و صرفاً از مسیر فشار حداکثری و تحریم، تلاش کرده مردم ایران را به خیابان‌ها بکشانند، در واقع اعترافی آشکار به جنگ تمام‌عیار اقتصادی علیه یک ملت مستقل است؛ جنگی که هدف آن خود بر این پازل، اظهارات دیروز مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را باید افزود، را فائقل گروسی به مثابه عروسک خیمه‌شب‌بازی، در دوره مدیریت خود بر این نهاد نشان داده هر وقت کارفرمایان غربی و عربی لازم دیده‌اند، وارد میدان شده و خط تنش‌زایی حساب شده علیه جمهوری اسلامی را ادامه داده است.

■ خط‌تنش‌زایی

عملکرد جانبدارانه گروسی در رأس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به عنوان یک نهاد تخصصی و البته با ادعای بی‌طرفی، به نفع تصمیمات تیم ترامپ همچنان ادامه دارد. اثبات این مدعا اظهارات روز گذشته گروسی است؛ مدیرکل

ریشه‌یابی یک شایعه رسانه‌ای در گفت‌وگوی قدس با کارشناسان

حمله جاهلانه به عفو معیاری ۱۴۰۱



درد. در این میان رسانه‌ها باید هوشیار باشند و نادانسته گرفتار بازی دشمن نشوند. نکته مهم دیگر این است که رسانه‌ها در این شرایط حساس، مسئولیت دارند پیش از انعکاس ادعاها، از صحت و مستند بودن اطلاعات اطمینان حاصل کنند. هر گونه ادعای بی‌ثباتانه، پیامدهای منفی برای وحدت ملی دارد و خواست دشمن برای ایجاد تفرقه و تخریب قوه قضائیه را تقویت می‌کند.

بنابراین، باید با هوشیاری و شناسایی مستند، جریان‌های آشوب‌طلب و معاند را از واقعیت تفکیک کرد و اجازه نداد شایعات و حدس‌های بی‌پایه، امنیت و وحدت ملی را به مخاطره بیندازد. افرادی که بدون مستند ادعا می‌کنند، بیشتر بر اساس حدس و برداشت شخصی عمل می‌کنند و در مقابل آن، قوه قضائیه و دستگاه‌های امنیتی مرجع نهایی در تشخیص حقیقت هستند.

در روزهای گذشته برخی رسانه‌ها تلاش کردند این گونه القا کنند که دستگیرشدگان حوادث سال ۱۴۰۱ که بعدها آزاد شدند، در ناآرامی‌های اخیر دخیل بوده‌اند، اما قوه قضائیه با تحلیل‌ها قرار گیرد. بررسی رفتار عناصر آشوب‌طلب نشان می‌دهد افرادی که بدون مستندات، این شایعات را رد کرده است. واقعیت آن است که قضاوت در این زمینه بر عهده دستگاه قضایی است؛ نهادهی که بیشترین دسترسی و آگاهی را نسبت به این جریان‌ها دارد و گزارش‌هایش باید مبنای تحلیل‌ها قرار گیرد. بررسی رفتار عناصر آشوب‌طلب نشان می‌دهد آن‌ها ارتباطی با جریان‌های داخلی یا مطالبات سال ۱۴۰۱ ندارند و عمدتاً به گروه‌های معاند و وابسته به

دستگاه قضایی است؛ نهادهی که بیشترین دسترسی و آگاهی را نسبت به این جریان‌ها دارد و گزارش‌هایش باید مبنای تحلیل‌ها قرار گیرد. بررسی رفتار عناصر آشوب‌طلب نشان می‌دهد آن‌ها ارتباطی با جریان‌های داخلی یا مطالبات سال ۱۴۰۱ ندارند و عمدتاً به گروه‌های معاند و وابسته به

میان مطالبه‌گری مشروع و اغتشاش هدایت‌شده بود. عقب‌نشینی جریان‌های آشوب‌طلب نشان داد جامعه ایرانی برخلاف محاسبات اتاق‌های فکر غربی، هنوز از سرمایه اجتماعی و هوشمندی سیاسی بالایی برخوردار است. در این میان، باید به یک نکته مهم توجه کرد؛ آمریکایی‌ها پس از تجربه یک شکست سنگین در حوزه نظامی، عملابه این جمع‌بندی رسیده‌اند که گزینه جنگ مستقیم کارآمد نیست. جنگ ۱۲روزه آمریکایی-صهیونیستی، که با ناکامی و شکست برای واشنگتن و تل آویو همراه بود، نشان داد هزینه‌های تقابل نظامی با محور مقاومت، فراتر از توان تحمل آن‌هاست. از همین رو، تمرکز اصلی آن‌ها بار دیگر به سمت فشارهای اقتصادی، تحریم‌های ظالمانه و جنگ ترکیبی سوق پیدا کرده است؛ جنگی که هدف آن فروپاشی از درون است، نه رویارویی آشکار.

هم‌زمان با این تحکرات، اظهارات اخیر دونالد ترامپ نیز معنا و پیام مشخصی دارد. او با ادبیات کودکانه و در عین حال تحریک‌آمیز، ایران را به «ترور» متهم می‌کند و تلاش دارد فضای افکار عمومی را علیه جمهوری اسلامی ملتهب کند.

نه تغییر رفتار دولت‌ها، بلکه فرسایش اجتماعی، تحریک نارضایتی و طراحی آشوب از درون است.

واقعیت آن است که هدف اصلی آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران، نه مذاکره است و نه حل و فصل اختلافات، بلکه پروژه‌ای چندلایه برای تضعیف درونی کشور از مسیر فشار اقتصادی و ایجاد شکاف‌های اجتماعی است. راهبردی که بر اساس آن، جامعه ایران باید به واسطه تحریم‌ها، گرانی‌ها و فشار معیشتی دچار چندقطبی‌سازی شده و زمینه برای آشوب و بی‌ثباتی فراهم شود. حوادث تلخ اخیر در برخی نقاط کشور، اگرچه با هوشیاری و درایت مسئولان جمهوری اسلامی و همراهی مردم به سرعت مهار شد، اما ریشه‌های آن را باید در همین طراحی مشترک آمریکا، رژیم صهیونیستی و برخی دولت‌های اروپایی جست‌وجو کرد. این جبهه تلاش داشت با سوءاستفاده از مسائل اقتصادی و به بهانه معیشت مردم، جمهوری اسلامی ایران را وارد یک چالش جدی و حتی پروژه سرنگونی کند. اما آنچه این سناریو را ناکام گذاشت، آگاهی ملت ایران و تشخیص مرز